زیر آسمان فیروزه‌ای

نگاهی به فیلم «شطرنج باد»، ساخته محمدرضا اصلانی

انگاره زن به دیوار معنا

● **محمدعلی افتخاری:** با گذشت یک سال از نمایش نسخه ترمیم‌شده فیلم «شطرنج باد» و با فاصله‌گرفتن از هیجانات ناشی از کشف یکی از مهم‌ترین آثار سینمای ایران، به نظر می‌رسد مجال بازخوانی این اثر به دور از هر گونه احساسات فرا رسیده باشد. بدیهی است سینماگرانی همچون بهرام بیضائی، محمدرضا اصلانی، سهراب شهیدثالث، امیر نادری، ابراهیم گلستان و ناصر تقوایی که نقش مهمی در تحولات سینمای ایران داشته‌اند، آثار خود را نه فقط برای ستایش مداوم که بیشتر برای راهگشایی به عرصه گفت‌وگو، تبادل دیدگاه‌های گوناگون و ایجاد بستری برای روشنگری به آزمایش گذاشته‌اند. از این رو نگاهی دوباره به «شطرنج باد» با ارزیابی کیفیت حضور شخصیت کنیزک در یک بازتعریف سنتی از جایگاه زن در فرهنگ تثبیت‌شده ایران، خالی از لطف نیست.

اگر آرایش لباس آدم‌های فیلم «شطرنج باد» را نادیده بگیریم و طراحی صحنه را به رمزگذاری‌های آگاهانه خلاصه کنیم، گسترش واقعیت تاریخی در این فیلم متوقف می‌شود. در واقع آنچه رابطه کنیزک، خانم کوچیک و خانه اتابک را به تعریف یک وضع نمادین سوق می‌دهد، تلاش محمدرضا اصلانی برای صورت‌بخشیدن به طرح‌واره‌ای است که از دالان تاریک تاریخ‌باوری به روزنه بی‌جان اسطوره هدایت می‌شود. گزینش عناصر دیداری به شکلی که جدال پایان‌ناپذیر طبیعت و روح انسانی را به چشم تماشاگر عرضه می‌کند و انتخاب روایتی که به روشنی روح زنانه تاریخ را مبتنی بر خاصیت اسطوره‌ای آن در دووجهی «زیبایی و فریبندگی» نمایش می‌دهد، پیشاپیش شیوه بازخوانی اثر را نیز با خود همراه آورده است. به همین دلیل واکاوی نمادها به همان روش که علم باستان‌شناسی می‌کوشد با کاوش در اعماق زمین هویت آدمی را نسبت به امر تاریخی به او یادآور شود، راه متداولی را ترتیب می‌دهد که فیلم «شطرنج باد» به شکل پرده‌ای آویخته بر بند معنا و به‌عنوان سرمشقی معرفتی بر نگرش آدمی به فرادستی‌ها، آماده فرایند رمزگشایی باشد. در این طبقه‌بندی اجتماعی، شخصیت کنیزک در مقابله با روح آزاردهنده اتابک و جانشین زالوصفت او، در ترازوی حساس جهل و آگاهی دست و پا می‌زند. البته جهل کنیزک در روایت «شطرنج باد» برآمده از شرایط جبری است که یک جامعه طبقاتی برایش ایجاد کرده است و آگاهی‌اش نیز در پیوند با جنبه‌های وجودی تعریف می‌شود که عناصر طبیعی به او تحمیل می‌کند. کنیزکِ «شطرنج باد» بی‌شباهت به شخصیت تارا در فیلم «چریکه تارا» نیست. وجه مشترک این دو، نیرویی اسطوره‌ای است که در یک بازنمایی تاریخی تماشاگر را به تکاپوی درونی وا می‌دارد. روشن است که این جوشش ذهنی در سیر حرکت نحله‌های فکری قرن بیستم برای آگاهی‌بخشی به «انسان پس از جنگ» با دگرگونی‌های قابل توجهی روبه‌رو شده است که بازنگری در مفهوم تاریخ و به ویژه «فلسفه تاریخ» از جمله این حرکت‌های نظری در باب زوال درونی انسان مدرن است. اما بازتاب این رویکرد در فیلم «شطرنج باد» تا چه اندازه قادر است شخصیت

کنیزک را به نیروی اصیل خود و قدرتی درونی برای نابودی بازماندگان خانه اتابک نزدیک کند؟

در باورهای سنتی به اسطوره‌های ایرانی، زنان در هویتی که از روح پریان و زیبارویان مولد دریافت می‌کنند، همواره دو وجه متضاد را در ذات خود پرورش می‌دهند. یک سوی این صورتک رمزآلود، آمیخته به نیرویی غریزی و کششی جنسی است که بخش عمده‌ای از توصیف‌های ادبی در متون کهن را به استعاره و تشبیه زیبایی‌های آن واداشته است و روی دیگر، جلوه‌ای شیطانی است که انگیزه نیرنگ و انتقام را در خود نهان داشته است. این نگرش، همواره هیبت زن را با رمز و راز، فریبکاری و جادو در هم آمیخته و گفتمان فرهنگی را به حرکت ناخواسته‌ای علیه جایگاه اجتماعی زنان ایران واداشته است. شخصیت کنیزک در «شطرنج باد» نیز چنین است. او مجبور است که وضعیت وجودی خود و نیروی مدفون در دل تاریخ را در موقعیت «زنان جادوگر» و در کشف رابطه رمزگان‌های دیداری جست‌وجو کند: [شکستن قرابه‌های شیشه‌ای و هراس از تجسد روح حاج عمو، ناتوانی جسمی خانم کوچیک و ادغام تن و جان او با کنیزک، انس ذاتی کنیزک با خانه قجری و قرابه کوچکی که ماهی قرمزی در آن شناور است...

ادامه در صفحه ۷

جامعه اعتمادش را به هنرمندان از دست داده است؟

بهناز شیربانی: اینکه این روزها بعد از گذشت حدود دو سال و ترس از ابتلا به کرونا در مکان‌های شلوغ، برخی را به صرافت انداخته تا به مکان‌های عمومی‌تری مانند سینماها پا بگذارند، اتفاق خوشایندی است. «قهرمان» تازه‌ترین ساخته اصغر فرهادی که سروصدای زیادی در جشنواره فیلم کن به راه انداخت و بعدتر نماینده سینمای ایران برای معرفی به آکادمی اسکار شناخته شد، مسبب حضور طیفی از مخاطبان سینما در سالن‌های کرونازده سینماهاست. فیلمی که به تعبیر برخی رونق را به سالن‌های سینما برگرداند و تنها نام این کارگردان می‌توانست جرقه را روشن کند و البته برخی دیگر به نگاهی واقع‌بینانه‌تر شرایط را درحال‌حاضر هم مساعد نمی‌بینند و فروش این روزهای سینما را به نسبت روزهای پیش از کرونا بسیار اندک توصیف می‌کنند و معتقدند که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان به روزها و ماه‌های آینده خوش‌بین بود. این در حالی است که صف طویلی از فیلم‌ها، در راه اکران مانده‌اند و سیاست تازه مدیران فرهنگی اکران یکباره تعداد زیادی از این فیلم‌هاست. این در حالی است که فیلم‌های تازه‌ای برای حضور در جشنواره فیلم فجر ساخته می‌شود و سیستم اکران سینمای ایران روزبه‌روز شرایط پیچیده‌تری را تجربه می‌کند؛ اما شاید می‌توان از منظری دیگر به این موضوع نگریست و این پرسش را مطرح کرد که آیا اساسا سینمای ایران وارد مرحله تازه‌تری از زیست خود شده است؟ اینکه تا پیش از این جامعه تا این حد به هنرمندان بی‌اعتماد نبوده، اکنون به نظر می‌رسد این اعتماد روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و همین موضوع زنگ خطر بزرگی است که نمی‌توان به آن بی‌اعتنا بود. این روزها درمورد شرایط پیچیده اکران و درمورد آینده سینمای ایران حدس‌هایی مطرح می‌شود.

با یک گل بهار نمی‌شود...

یاشار نورایی، منتقد نام‌آشنای سینمای ایران، در پاسخ به این پرسش «شرق» مبنی بر اینکه برخی معتقدند سینمای ایران پیش از پاندمی کرونا هم شرایط اقتصادی مطلوبی نداشت و بعد از مدت‌ها تعطیلی، این روزها به‌اصطلاح چراغ سینما روشن شده و فکر می‌کنید آمد و رفت این روزهای مردم به سالن‌های سینما را می‌توان دلیلی برای رونق سینما دانست؟ گفت: «سینما به‌عنوان هنر صنعتی جهانی، در شرایط مطلوب، ساختاری نظام‌مند دارد که تابع مناسبات عرضه و تقاضا و رقابت میان محصولات مختلف است. همان‌طور که همه‌گیری کرونا، حضور و فعالیت‌های اجتماعی مردم را در تمامی کشورهای جهان محدود کرده، طبیعی است که تغییر عادت عمومی نسبت به سینمارفتن، زمانی طولانی نیاز دارد تا به حالت سابق برگردد. در ابتدای همه‌گیری، صنعت سینمای جهان گمان می‌برد که دوران محدودیت کوتاه باشد و برای همین اکران بسیاری از محصولات پرمخاطب را به تعویق انداخت؛ اما پس از طولانی‌شدن و شیوع گونه‌های مختلف این ویروس منحوس، عملا سینمارفتن از سبد فرهنگی خیلی‌ها حذف شد. جایگزین‌شدن شبکه‌های نمایش خانگی ضربه‌ای کاری به سینما بود و همه آدم‌هایی را که خانه‌نشین شده بودند، به شکلی به محصولات بصری خود عادت داد. در این وضعیت، جلب دوباره سینمادوستان به تالارهای نمایش، در مرحله نخست، زدودن واهمه عمومی از ابتلا به بیماری و امن‌بودن سینما برای تماشاچی است. این مسئله کماکان در ایران به شکل نصفه‌نیمه و در حد رفع و رجوع انجام می‌شود و بیننده‌ای که به‌سختی و بسیار دیر توانسته واکسن بزند، با یک محاسبه ساده، مخاطره بیمارشدن را به دو ساعت سرگرمی نخواهد پذیرفت؛ زیرا بیماری او را از تلاش معاش بازخواهد داشت. از سویی دیگر بالارفتن قیمت بلیت و تورم افسارگسیخته باعث شده که عموم ملت ایران گرفتار تهیه مایحتاج اساسی زندگی شوند و نمی‌توان از کسی که در پرداخت اجاره خانه و خورد و خوراک و پوشاک مانده، انتظار داشت که سبد فرهنگی‌اش را پر نگه دارد! از طرفی دیگر، به نظر می‌رسد که در دو سال خواب اجباری سینما و تالارهای نمایش، با توجه به شرایط بد اقتصادی، وضعیت عمومی نمایش برای بیننده بهتر نشده و امکانات سینماها، کماکان محدود است. من مطمئن نیستم که تالارهای نمایش در ایران، امکانات تصفیه هوا را با نصب فیلترهای مخصوص داشته باشند و حتی نظم تمیزکردن تالار را در میان هر سانس رعایت کنند. دوستی تعریف می‌کرد که به‌تازگی برای تماشای فیلمی به تالار تازه‌تاسیس یک مرکز خرید رفته بود و از بدبودن کیفیت تصویر و پروژکتور و غیراستاندارد بودن تالاری که گویا فقط برای امتیاز مالیاتی گرفتن ساخته شده، به‌شدت متعجب بود. پراکندگی شهر تهران و دسترسی‌نداشتن به وسایل نقلیه کافی برای رسیدن به مکان‌های فرهنگی، دلیل دیگری می‌تواند باشد که حدس بزنیم استقبال از فیلم‌ها دیگر به شکل سابق برنخواهد گشت.

او در پاسخ به این پرسش که به نظر می‌رسد تا حد زیادی کنجکاوی‌ها برای ساخته جدید فرهادی، بسیاری را مجاب کرده تا قدم به سالن‌های سینما بگذارند و آیا اساسا سینمای ما خوراک مناسبی برای مخاطبانش دارد؟ گفت: «پاسخ به این پرسش تا حدی سخت است. کنجکاوی عده‌ای سینمادوست برای دیدن فیلم کارگردانی که سابقه خوبی در ساختن فیلم‌هایی برای طبقه متوسط دارد، شاید دال بر نوعی استقبال از فیلم باشد؛ اما اگر میزان فروش همین فیلم اخیر اصغر فرهادی را با «فروشنده» که در سال ۱۳۹۵ اکران شد، مقایسه کنیم، معلوم است که در مدت پنج سال و با توجه به تغییر ذائقه مردم، عادت سینمارفتن، حتی اگر مشتاق تماشای فیلمی هم باشیم، حداقل نزد طبقه متوسط تا حدی فراموش شده است.

واقعیت این است که سینمای ایران، هیچ‌گاه مناسبات تولید را بر اساس فروش تنظیم نکرده و اصلا فروش به‌عنوان عامل اصلی تولید و نمایش فیلم‌ها با توجه به اینکه سود اصلی حتی قبل از تولید فیلم نصیب تهیه‌کننده می‌شود، اهمیت چندانی ندارد. بیشترین مشکلی هم که اکنون در این دو سال گریبان‌گیر سینما شده، به صاحبان تالارهای نمایش مربوط می‌شود که هزینه‌های روشن نگه‌داشتن چراغ سینما و حفظ نیرو و کارمند برایشان کمرشکن شده است. واقعیت هم این است که سینمای ایران به دلیل انتزاع سیاسی و اجتماعی و عدم نمایش فیلم‌های روز جهان و انحصاری که عده‌ای سودجو برای حفظ موقعیت خودشان مدام در حفظ آن می‌کوشند، تنوعی برای اقشار مختلف ندارد و بیشتر برای سرگرم‌کردن سطحی آدم‌های عادی، فیلم‌های به‌اصطلاح کمدی روانه اکران می‌شوند. طبیعی است که بیننده پیگیر و صاحب اندیشه و سلیقه، در قیاس با انبوه سریال‌ها و فیلم‌های خارجی که به‌راحتی در دسترس مردم است، سطح پایین فیلم‌های ایرانی را متوجه شود که بسیاری از آنها فاقد ابتدایی‌ترین اصول فیلم‌سازی و حتی سرگرمی مناسب‌اند. برای همین چرا باید وقت و پول خودش را برای تماشای تصاویر متحرکی هدر بدهد که هیچ بار مفهومی و قدرت سرگرم‌سازی ندارند؟ آنچه در کشورهای پیشرفته به‌عنوان عاملی برای انتخاب فیلم‌ها تثبیت شده است، اعتماد به ریویوها و نوشته‌های نویسندگان سینمایی در زمان اکران فیلم‌هاست. اما تجربه چندساله اخیر و خصوصا نوشته‌های تمجیدگری که درباره مهمل‌ترین ساخته‌های شبکه خانگی و محصولات بصری به سفارش نوشته شده‌اند، تماشاگر پیگیر را سرخورده و به مارگزیده‌ای بدل کرده که از ریسمان سیاه و سفید هم می‌ترسد. تمام این دلایل در بستر روند تاریخی (اگر نسبت جمعیت ایران را به فروش فیلم‌ها بررسی کنیم، به‌راحتی متوجه می‌شویم که تعداد بلیت‌های فروخته‌شده در ۳۰ سال گذشته مدام سیر نزولی داشته و تنها در فواصلی، استقبال عمومی از فیلم‌ها قابل قبول بوده است) فاصله‌ای میان مخاطب اصلی سینما و فیلم‌های ایرانی ایجاد کرده که روز به روز بزرگ‌تر می‌شود. برای همین حتی اگر فیلم‌هایی از کارگردان‌های صاحب‌سبک و پرطرفدار اکران شود، با توجه به روحیه افسرده جامعه امروز ایران و ساکنان شهرها، قهر مخاطب از سینما به این زودی به آشتی بدل نخواهد شد».

او ادامه داد: «ما در سرزمین و اوضاعی زیست می‌کنیم که گره خیلی از کارها با راهکارهایی ساده باز خواهد شد، اما تمایلی به استفاده از راهکارهای منطقی نیست؛ چون سود برای کسانی که به شکل انحصاری سر سفره فرهنگ این سرزمین نشسته‌اند، در بی‌نظمی و آشفتگی است و کسی دلش برای مردم و تماشاچی نسوخته. وقتی ما به هویت و ارزش مشتری اهمیتی نمی‌دهیم و فقط می‌خواهیم جنس بنجلی را به او قالب کنیم، سخت است از اصول و روش هدفمند برای حفظ مشتری سخن بگوییم. سینما هم در ایران حداقل برای کسی که سلیقه‌ای و دانشی دارد، در بهترین حالتش، محصولاتی عمدتا بی‌کیفیت عرضه می‌کند که از سر ناچاری باید آنها را مصرف کرد. به روایتی بیش از ۴۰۰ فیلم در صف اکران مانده‌اند. اول باید بپرسیم که با توجه به اوضاع چرا این‌قدر فیلم در این سرزمین تولید می‌شود و اصلا چه نیاز و توجیه اقتصادی برای ساخته‌شدن این همه فیلم هست؟ پاسخ در همان نکته‌ای که گفتم است. ساختار تولید در سینما با توجه به پول‌هایی که در اختیار عده‌ای مشخص قرار می‌گیرد، فارغ از اکران به سوددهی می‌رسد و اصلا اکران نوعی رفع و رجوع برای این است که ظاهر چرخه تولید و نمایش حفظ شود. طبیعی است که اکران گسترده فیلم‌ها شبیه به انبارگردانی بوده و بعید است با توجه به اوضاع، تا وقتی اعتماد تماشاگر دوباره جلب نشود، وسع مالی او بالا نرود و محیط عمومی و امکانات بهداشتی او را مطمئن نکند، اتفاق خاصی در استقبال از فیلم‌ها بیفتد. در این حالت فیلم‌ها در شرایطی اکران می‌شوند که در یک رقابت کاذب و زمان محدود اکران، همدیگر را خنثی و از چرخه نمایش خارج می‌کنند. راهکار مهم با توجه به تجربه‌ای که در پیش داریم، تنظیم بازار تولید و نمایش فیلم است. این مهم از طریق سرندکردن فیلم‌ها و نمایش بسیاری از آنها در شبکه‌های خانگی می‌تواند صورت گیرد که اگر یارانه‌ای هست از تولید به سمت اکران سینمایی و مجازی برود. از سوی دیگر، با توجه به روحیه ایرانی که مدام با تردید نسبت به عملکرد قبلی‌ها می‌نگرد، تعیین تکلیف فیلم‌های مهمی مانند «کاناپه» و «قاتل و وحشی» و نمایش آنها می‌تواند به‌عنوان خوراک فرهنگی، عامل مهمی در کشاندن طبقه متوسط به سینماها باشد. در نظر باید داشت که اکران جسته‌وگریخته چند فیلم کنجکاوی‌برانگیز مانند قهرمان، خزان سینمایی ما را پایان نخواهد داد و تا مسائل بنیادی این سینما در کنار تنظیم وضعیت عمومی نمایش حل نشود، با یک گل بهار نخواهد شد».

عادت سینمارفتن برای مردم طولانی شده است

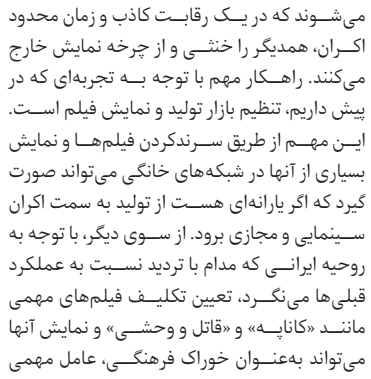

کیوان کثیریان از دیگر منتقدان صاحب‌نام سینمای ایران هم معتقد است در دو سال گذشته اساسا عادت سینمارفتن میان مردم از بین رفته است. او به «شرق» گفت: «در دوران پاندمی کرونا با توجه به اینکه سینماها پی‌درپی تعطیل می‌شد و اساسا مردم هم علاقه‌ای به بیرون‌رفتن زیاد یا قرارگرفتن در محیط دربسته نداشتند و از طرفی هم سازمان سینمایی برنامه‌ای برای بهبود وضعیت سالن‌های سینما و آماده‌کردن آنها برای نمایش فیلم در دوران پاندمی نداشت، عادت سینمارفتن که تا حدود زیادی برای مردم جا افتاده بود و سینماها را پر می‌کردند، عملا از سرشان افتاد و در کنار آن سعی کردند خلأ بازار تصویر را پلتفرم‌ها پر کنند».

او ادامه داد: «امکان دیدن ده‌ها فیلم یا سریال در خانه با هزینه‌ای کمتر و البته در کنار خانواده میل به سینمارفتن را کمتر کرد. از سویی دیگر در شرایط همه‌گیری کرونا مردم ترجیح دادند در خانه بمانند و سرگرم شوند، باز همین موضوع میل به دیدن فیلم و سریال‌های پلتفرم‌ها را بیشتر کرد. باید به این نکته نیز توجه داشت که به هر حال فیلم‌ها هم تمایل زیادی به اینکه پخش آنلاین شوند نداشتند که البته دلایل زیادی برای این موضوع مطرح است از جمله سرعت کپی‌شدن فیلم‌ها و پخش از شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای یا فضای مجازی که این موضوع به اقتصاد فیلم ضربه بزرگی می‌زند. بنابراین فیلم‌ها هم در نوبت اکران ماندند تا کرونا کم شود و بتوانند در سالن‌های سینما اکران شوند. حالا با فروکش‌کردن نسبی کرونا در کشور و اینکه بعد از مدت‌ها سینماها در ردیف ۲ قرار گرفته‌اند و می‌توانند باز باشند، با حفظ ضوابط بهداشتی پذیرای مخاطبان هستند. با این حال این عادت یک‌سال‌ونیم سینمارفتن برای مردم طولانی شده است و به نظر من سخت می‌توان به دوران قبل از کرونا برگشت».

کثیریان در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «از طرف دیگر کیفیت فیلم‌های ما آنچنان نیست که بتواند مردم را ترغیب کند که حتما به سینما بروند. می‌توان گفت اکران فیلم «قهرمان» در این شرایط استثناست که می‌تواند مخاطب بیشتری را متوجه اکران سینماها بکند. هرچند رقم فروشی که برای این فیلم هم گفته می‌شود، در مقایسه با قبل و پیش از کرونا، رقم مهمی نیست. اما با این حال فکر می‌کنم این بالاترین رقمی خواهد بود که در این مدت فیلمی فروخته باشد. به این دلیل که فیلم‌های دیگر ما ممکن است این رغبت به‌سینمارفتن را در عامه مردم، اهالی فرهنگ و علاقه‌مندان سینما به وجود نیاورد. «قهرمان» تا به امروز در هیچ جشنواره داخلی نمایش داده نشده است و اساسا برای بسیاری دیدن این فیلم کنجکاوی‌برانگیز است و در عین حال نماینده سینمای ایران برای اسکار انتخاب شده و دلایلی نظیر این موارد، مخاطبانی را به سینماها می‌کشاند. اما رقمی که برای فروشش این روزها اعلام می‌شود، در مقایسه با قبل رقم بالایی نیست».

او ادامه داد: «فکر نمی‌کنم که اساسا فیلم‌های دیگر بتوانند چنین رغبتی را در مخاطب ایجاد کنند و در حال حاضر چند فیلم دیگر هم‌زمان با «قهرمان» روی پرده است و فکر نمی‌کنم رقم‌های فروششان قابل توجه باشد. بعد از این هم فکر نمی‌کنم اتفاق خاصی در گیشه بیفتد. در کنار این موارد سیاست‌های اکران را در نظر بگیرید که اساسا به نظرم خیلی دور از واقعیت و مدیریت‌نشده است. اولین و ساده‌ترین کار طبیعتا این است که فیلم‌ها را به صف کنیم و بگوییم حالا که تعداد فیلم‌ها زیاد شده، به هر فیلم یک زمان اکرانی تعلق می‌گیرد. در حال حاضر فیلم‌های زیادی در صف اکران مانده‌اند و بی‌تردید فیلم‌سوزی اتفاق می‌افتد، چراکه فرصت کافی برای اکران فیلم‌ها وجود ندارد. بنابراین از آن سمت هم اگر مخاطب قصد دیدن فیلم‌هایی را داشته باشد، گاهی زمان اکران فیلم از دستش می‌رود و بی‌تردید فیلم‌ها خواهد سوخت. اینکه تا چه حد مخاطبان سینما راضی شوند در سالن‌های سینما فیلم ببینند، در حالی که هنوز کرونا وجود دارد و در عین حال به دیدن فیلم و سریال در خانه عادت کرده‌اند، واقعا خوش‌بین نیستم که در کوتاه‌مدت این اتفاق بیفتد چراکه کیفیت فیلم‌های ما هم طوری نیست که این استقبال تکرار شود. به هر حال عادت سینمارفتن پیش از همه‌گیری کرونا وجود داشته و مردم بیشتر از حال حاضر سینما می‌رفتند و فیلم‌هایی با کیفیت پایین‌تر هم دیده می‌شد. اما الان برای یک شروع دوباره به نظرم سینمای ما خیلی لاغرتر از این حرف‌هاست که بتواند این ماجرا را پوشش بدهد. در هر حال امیدوارم که روزهای خوبی در انتظار سینما باشد و به زودی دوباره سالن‌ها رونق بگیرد و رقابت پلتفرم‌ها و سینماها به یک تعادل منطقی به سود مخاطب برسد».

باید زمان بیشتری را انتظار کشید

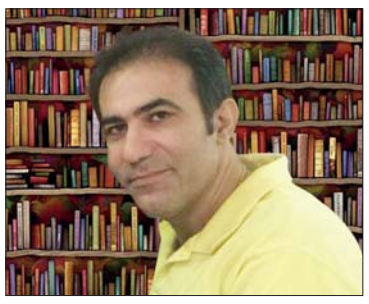

مازیار معاونی دیگر منتقد سینمای ایران هم در این رابطه به «شرق» گفت: «به اعتقاد من استقبال کم از سینما در ماه‌های اخیر را که به هر حال سالن‌ها میزبان مخاطبان بودند می‌توان به دو عامل ربط داد: اول ترس جهانی از کرونای مرگ‌بار که هنوز تا خلاصی کامل از سایه سنگینش فاصله داریم و حتی هنوز تا رسیدن به میزان ۸۰ درصد واکسیناسیون کامل هم فاصله‌ای چندماهه وجود دارد. اما عامل دوم افسردگی گسترده ناشی از کروناست که بسیاری از خانواده‌های ایرانی را داغدار نزدیکان و اطرافیانشان کرده است. به جز تبعات معیشتی مثل ازدست‌رفتن سرپرست نان‌آور خانواده، تعطیلی‌های گاه و بیگاه و آسیب‌های مالی و ورشکستگی‌هایی که به جا گذاشت، وجه اول با واکسیناسیون کامل یا اکثریت ۸۰درصدی جامعه با سرعت بیشتری قابل برگشت است و اگر هراسی از حضور در سالن سینما نباشد ابتدا علاقه‌مندان جدی‌تر سینما و در ادامه فیلم‌بین‌های گاهگاهی به سالن‌ها برمی‌گردند. اما درخصوص وجه دوم یعنی ازبین‌رفتن موج افسردگی عمومی که رغبت به نشاط و سرگرمی و نیز توان مالی رفتن به سینما را کاهش داده است، باید زمان بیشتری را انتظار کشید. در عین حال استقبال چشمگیر مثل فیلم «قهرمان» اصغر فرهادی نشان می‌دهد که سینما دست‌کم برای هواداران جدی و سینه‌چاکش یک موضوع مهم است که با رفع نسبی خطر کرونا بلافاصله سالن‌های نمایش این فیلم را پر کردند».

دریچه

صفر تا صد نظارت بر «وی‌اودی»‌ها به ارشاد برمی‌گردد؟

● مدت‌هاست که اختیار صدور مجوز سریال‌های توزیع‌شده در «وی‌اودی»‌ها از سازمان سینمایی، به صداوسیما منتقل شده است. اتفاقی که در این مدت، نارضایتی بسیاری از فعالان شبکه نمایش خانگی از چگونگی نظارت و تصمیم‌گیری در این عرصه را به همراه داشته است؛ اما در همین دوران پس از انتصاب‌های دولت جدید، بسیاری منتظر عکس‌العمل معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره این موضوع بودند.

محمد خزاعی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی، در تازه‌ترین اظهارنظرش درباره شرایط پر بحث‌ونظر این روزهای شبکه نمایش خانگی گفت: با این مصوبه با توجه به تکنولوژی‌های پیشرفته و همچنین، بستر «وی‌اودی»‌ها و توسعه فضاهای مجازی، مهم‌ترین بازوی اجرائی، نظارتی و هدایتی سازمان سینمایی در این عرصه سلب شده است.

رئیس سازمان سینمایی کشور با بیان اینکه سازمان صداوسیما به‌عنوان رسانه ملی وظایف خطیری دارد افزود: رسانه ملی مأموریت‌های گسترده‌ای دارد و نیاز دارد به فکر ایجاد بسترهایی برای توسعه، پویایی و ارتقای گستره مخاطبانش باشد. با بازنگری این مصوبه مسئولیت نمایش خانگی که به مسئولیت‌های تلویزیون اضافه شده، به جای اصلی‌اش برمی‌گردد.

او تأکید کرد: جایگاه نظارتی و شأن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی باید حفظ شود؛ البته تجربه چندساله هم نشان داده است علاوه بر نارضایتی سینماگران و صنوف، تناقضات و چندگانگی در نظارت‌های کیفی و محتوایی تولیدات این حوزه ایجاد شده است.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به پیگیری جدی این وزارتخانه و سازمان سینمایی درباره موضوع پلتفرم‌ها تصریح کرد: این مطالبه جامعه سینمایی کشور است. در حال پیمودن مسیرها و برگزاری جلسات با مراکز ذی‌ربط هستیم و امیدواریم در مراکز قانونی تصمیم‌گیری این کار به جریان بیفتد.

به گفته او، موضوع نمایش خانگی و پلتفرم‌ها به تصمیم‌های جدید نیاز دارد و جامعه سینمایی امیدوار شده با نگاه ریاست جدید سازمان صداوسیما و تعامل و احترام آقای جبلی برای سینماگران و هنرمندان، این مطالبه محقق شود.

خزاعی با بیان اینکه تولیدات پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی مخاطبان بسیاری را به سمت تولیدات داخلی سوق داده است، اضافه کرد: رونق و پویایی شبکه نمایش خانگی و «وی‌اودی»‌ها می‌تواند ضمن ایجاد امید و نشاط اجتماعی، به امنیت شغلی و معیشتی اهالی سینما منجر شود.

رئیس سازمان سینمایی با نقد وضعیت فعلی تصریح کرد: معتقدیم باید صفر تا صد جریان «وی‌اودی»‌ها به ارشاد برگردد. مأموریت ساترا، اساسا با سایر مأموریت‌های سازمان صداوسیما مغایرت دارد. مأموریت‌های بزرگ و متعدد صداوسیما، باعث می‌شود تا این مأموریت مضاعف به‌درستی پیگیری نشود و تناقضات نظارتی صداوسیما در پلتفرم‌ها و تلویزیون گواه این موضوع است. ضمن اینکه تلویزیون در حالی می‌خواهد در این زمینه نظارت و سیاست‌گذاری کند که خودش یکی از رقبای این پلتفرم‌هاست و به خاطر این رقابت و تضاد منافعی که دارد نمی‌تواند کار ارزیابی، نظارت و ارزشیابی محتوایی این بخش را برعهده داشته باشد.

رئیس سازمان سینمایی یادآور شد: معتقدیم مصوبه مجلس در این زمینه نیازمند بازنگری و اصلاح است. از نمایندگان مجلس و کمیسیون فرهنگی انتظار داریم به بررسی و بازنگری این موضوع بپردازند و نظارت بر شبکه‌های نمایش خانگی را به وزارت ارشاد بازگردانند.

او افزود: بسیاری از هنرمندان، صنوف و جامعه سینمایی نسبت به ورود صداوسیما در این حوزه انتقاد دارند و این توقع را دارند که از طریق مجاری قانونی و در بستر تعامل و گفت‌وگوهای سازنده این موضوع مورد بازنگری قرار گیرد. خوشبختانه گفت‌وگوهایی جدی در سطح وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و برخی مسئولان و متولیان ارشد در حال انجام است که امیدواریم با حسن نظر و درایت ریاست محترم سازمان صداوسیما این معضل هرچه زودتر حل‌وفصل شود.

خزاعی با بیان اینکه با این اقدام به دلیل نزدیکی مخاطبان سینما و پلتفرم‌ها ضمن کمک به گسترش و تشویق تولیدکنندگان و سینماگران، شرایط مناسب برای چرخه کامل تولید و پخش و توزیع و ایجاد فرصت‌های جدید بهتر شکل می‌گیرد، خاطرنشان کرد: نزدیکی سامانه‌های فروش و سازمان تولید و پخش این حوزه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باعث بالندگی و پویایی و همراهی بیشتر آنها می‌شود و برای ارتقای محتوای محصولات و بهره‌گیری از این ظرفیت در جهت تقویت فرهنگ عمومی ضمن اعمال نظارت‌های دقیق‌تر باید جلوی تولید آثار نازل، سطحی و مبتذل گرفته شود.

رئیس سازمان سینمایی در پایان ضمن قدردانی و تمجید از پیگیری‌ها و تلاش‌های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و حسن نظر ریاست سازمان صداوسیما اظهار امیدواری کرد با بازنگری در این مصوبه هرچه زودتر شبکه نمایش خانگی و پلتفرم‌ها به سازمان سینمایی برگردد.